



بیماری خاموس؟!!

از آن جا که موضوع اعتیاد، یکی از معضلات اجتماعی رایج در ایران و جهان است و کارشناسان مبارزه با مواد مخدر تأکید می‌کنند، آموزش کودکان در این زمینه را باید از همان اوان حضور آن‌ها در جامعه شروع کنیم، در یکی از کلاس‌های پیش‌دبستانی شهرستان اراک، از بچه‌ها پرسیدیم: «به نظر شما سیگار و دود آن خوب است یا بد؟» همگی گفتند: «بد است، چون ضرر دارد...» گفتیم: «چرا؟» هرکس چیزی گفت، یکی گفت: «آدم مریض می‌شه.» دیگری گفت: «تنگی نفس می‌باره.» بعدی گفت: «آدم معتاد می‌شه!» و... تا این که یکی از بچه‌های حدوداً چهار و نیم ساله گفت: «آدم بیماری خاموس می‌گیره!» گفتیم: «خاموس؟! خاموس یعنی چه؟» مربی بچه‌ها گفت: این کودک هم مثل **لالال حبشی** مخرج «ش» را «س» ادا می‌کند و مشکل تلفظی دارد.

پرسیدم: «خوب! بیماری خاموس یعنی چه؟»
با همان سادگی کودکانه‌اش گفت: «پوکی استخوان.»
و این جا بود که به نقش و تأثیری که رسانه‌ها، به‌ویژه رادیو و تلویزیون بر کودکان می‌گذارند، بیشتر پی بردم.

چرا معلم و مربی نه؟

کنار بازدید از استان‌ها و دیدار با کارشناسان، معمولاً سری هم به مراکز پیش‌دبستانی می‌زنیم و با کودکان و مربیان آن‌ها در مورد میزان پیشرفت بچه‌ها در سخن گفتن و اطلاعات و گرایش‌های آنان گفت‌وگو می‌کنیم. از جمله پرسش‌هایی که همواره در این دیدارها با کودکان در میان می‌گذارم، پرسشی در مورد آینده‌ی شغلی آن‌هاست: «بچه‌ها! دوست دارید وقتی بزرگ شدید چه کاره شوید؟» اغلب بچه‌ها پاسخ می‌دهند: «دکتر، مهندس و پلیس و به ندرت هم معلم (یا به زبان کودکان پیش‌دبستانی، مربی)» و این در حالی است که معمولاً بچه‌ها از خانم معلم خود راضی هستند.

به نظر می‌رسد، این نگرش و عمومیت داشتن آن، از تفکر غالب جامعه، اظهارات والدین و اطرافیان، گفت‌وگوهای فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی و... ناشی می‌شود که به طور قطع باید اصلاح شود.

چندی پیش، از مرکز پیش‌دبستانی تصفیه‌چی در شهر بجنورد، مرکز استان خراسان شمالی، بازدیدی به عمل آوردم و در دقایق کوتاهی که در یکی از کلاس‌های رغبت پیش‌دبستان داشتیم، ارتباط صمیمانه‌ای بین من و کودکان ایجاد شد.

هنگام جدایی و خداحافظی به آن‌ها گفتیم: «خوب! دیگر کاری با من ندارید؟»

یکی از کودکان که پسر بچه‌ی ۵ - ۴/۵ ساله‌ی شیرین‌زبانی بود، با هیجان گفت: «خانم! البته من خانم نبودم، این پسر بچه به عادت مألوف خود که مربی‌اش را خانم صدا می‌زند، مرا هم خانم نامید!» نروید و پیش ما بمانید.» گفتیم: «چرا؟» گفت: «آخر شما مهمان ما هستید!» گفتیم: «خوب بمانیم و چه کار کنیم؟» گفت: «کیف‌هایمان را باز می‌کنیم و هر چه میوه و غذا داریم، باهم می‌خوریم!»

زیرنویس

۱. این مطلب، توسط یکی از کارشناسان برنامه‌ریزی پیش‌دبستانی نوشته شده است.
۲. کلاس‌های رغبت، به کارگاه‌هایی اطلاق می‌شود که در آن کودکان فارغ از هر گونه برنامه‌ی رسمی، هر نوع کار، فعالیت، خلاقیت و هنر خود را به نمایش می‌گذارند.

مهمان‌نوازی کودکانه